

روایتی از سه دوره تاریخی روی صحنه تئاتر

«همای» تلاشی برای پیوند نمایش ایرانی با قصه‌های کهن است

صبا کریمی | نمایش «همای» با استفاده از شیوه‌های مدرن‌تر نمایش‌های ایرانی، به یک مسئله که در سه دوره زمانی تکرار شده، می‌پردازد.

ابراهیم رهگذر، نویسنده و کارگردان نمایش «همای» درباره این تئاتر که این روزها به تهیه‌کنندگی باشگاه تئاتر سوره در سالن سایه مجموعه «تئاتر شهر» تهران روی صحنه است به خبرنگار ما می‌گوید: از لحظه اول شکل‌گیری نمایش نامه‌قرار نبود نمایش فقط در زمان حال بگذرد، اما علاقه‌ای که به قصه‌های کهن داشتم سبب شد قصه به سمت سه برهه زمانی برود و به مشکلاتمان در ادوار مختلف تاریخی بپردازم. وی می‌افزاید: این معضل، مشکلی است که در طول تاریخ تکرار شده و به‌خاطر اینکه قرار بود آن را کارگردانی کنیم و خیلی دوست داشتم نمایش فضای متفاوتی داشته باشد، تصاویر ویژه‌تری به آن اضافه کردم. در این اجرامی خواستم بیشتر بتوانم با نگاه مخاطب‌پرخورد داشته‌باشم به‌خاطر همین تلاش کردم فضا را کمی متفاوت‌تر کنم و تماشاگر را به سه دوره تاریخی ببرم.

رهگذر در خصوص مضمون نمایش «همای» می‌گوید: داستان قصه «همای» ماجرای نخستین پادشاه زن ایرانی است که به مشکلات دختری می‌پردازد که تلاش می‌کند نمایشش را روی صحنه ببرد، ولی وقتی به تماشای اثر می‌نشینیم در ۱۱ پرده اشکل و ۱۱ تصویر مختلف را شاهد هستیم.

اجرای تمام گونه‌های نمایش ایرانی

رهگذر تأکید می‌کند: شکل روایت قصه این گونه است که ما روی صحنه یک کارگردان داریم که هر بار تلاش می‌کند نمایشی را که دلخواهش است، اجرا کند اما در هر نوبت با مشکلی روبه‌رو می‌شود که او را مجبور می‌کند گونه نمایشش را عوض کند. ما از شروع نمایش با فضای شاهنامه و همای (دختر بهمن یا اردشیر درازدست در شاهنامه فردوسی) که نخستین پادشاه زن ایرانی است، مواجه می‌شویم البته این نمایش بیشتر به قصه داراب نزدیک است چون قصه، قصه داراب و زاده شدن او است که یک همگونی تاریخی با ماجرای حضرت موسی (ع) دارد که هر دو به آب سپرده شده‌اند.

این نویسنده و کارگردان تئاتر عنوان می‌کند: نمایش ما از لحظه‌ای که شروع می‌شود با یک تراژدی عمیق همراه است؛ از قصه همای که فرزندی را از ترس برادر به آب سپرده و در نهایت به یک فضای کاملاً آبرائی و سستی می‌رسد. در نمایش، یک دختر قرار است در مجلسی که رضاشاه حضور می‌یابد، به عنوان نخستین بازیگر زن ایرانی روی صحنه باشد و در نهایت کارگردان تصمیم می‌گیرد به همان

نمایش اول خود برگردد.

او دلش می‌خواهد

قصه داراب را روایت

کند و در پایان قصه، ما

دارابی را می‌بینیم که

سوار بر اسب می‌تازد

تا همای یعنی مادرش

را از چنگ گرگین

نجات دهد. نمایش

با دیالوگ‌های پایانی

داراب قصه تمام

می‌شود؛ دیالوگ‌هایی که به این نکته اشاره دارند که اگر پهلوانی

در این سرزمین نباشد، این سرزمین حکایت خوبی ندارد. او درباره طراحی این اثر تشریح می‌کند: در دورخوانی نخست نمایش نامه، برای گروه اجرایی چگونگی ساخت دریا یا حضور اژدها روی صحنه قابل هضم نبود. تصور چگونگی اجرا در بخشی از نمایش که ۱۱ اسب در صحنه اول حضور دارند و گرگینی که نیمه بدنش گرگ و نیمه دیگر بدنش انسان است، کمی سخت بود، اما من از شیوه مدرن‌تر نمایش‌های ایرانی مثل خیمه شب‌بازی، نمایش روح‌وضی و... بهره گرفتم تا هر بار که صحنه‌ها عوض می‌شود از یک فضای آرکائیک به سمت نمایشی که فضا را کمی کم‌دی و شاد می‌کند، پیش ببریم.

این نویسنده و کارگردان با اشاره به اینکه در این اجرا از تمام داشته‌های نمایش ایرانی استفاده کرده، اظهار می‌کند: در نمایش «همای» تمام گونه‌های نمایش ایرانی از سایه‌بازی و وزن‌پوشی گرفته تا عروسک‌گردانی و خیمه شب‌بازی را داریم. در این نمایش همچنین از چهار مدل عروسک‌گردانی از جمله تره پوش، غول آسا و دستکشی استفاده شده که خیلی مورد پسند تماشاگران قرار گرفته است.

رهگذر تأکید می‌کند: فکر می‌کنم امروز آن چیزی که تماشاگر را جذب تماشای «همای» کرده، تصاویر متعدد آن است. تئاتر امروز هزینه‌های تولید بالایی دارد و نمی‌توان طراحی دکور زیادی داشت بنابراین نمایش‌ها هم بیشتر گفت‌وگو محور شده‌اند و تماشاگر طراحی چندانی روی صحنه نمی‌بیند اما در نمایش «همای» نوع طراحی و استفاده از تصاویر اثر را جذاب‌تر کرده است، به طوری که می‌توان گفت «همای» جزو نمایش‌هایی است که در یکی دو سال اخیر بیشترین بازیگر را دارد و از بیشترین دکور و آکسسوار و تصویر برخوردار است.

گفتنی است؛ اجرای «همای» در سالن سایه از ۲۷ مرداد شروع شده و در حال حاضر قرار است تا ۲۰ شهریور ماه روی صحنه باشد.

احمد درویشعلی پور، کارگردان سریال «اکسیر» شبکه ۲ در گفت وگو با قدس:

نسل زد باید خود را در تلویزیون ببیند

انرژی را کم کنید بلکه راهکار هم ارائه می‌کنیم.

■ نگران نبودید که طرح مستقیم مسائل اجتماعی، پیام‌های «اکسیر» را برای مخاطب، شعاری و پیش از حد صریح جلوه دهد؟

برای مدیریت این موضوع، باید به گستردگی دایره مخاطبان توجه می‌کردیم. مخاطب ما فقط کودک نیست؛ از کودک گرفته تا بزرگسال و حتی سالمند، مخاطب داریم و باید همه گروه‌های سنی را در نظر بگیریم. طبیعی است که در بعضی قسمت‌ها، مستقیم‌گویی برای بچه‌ها جواب بدهد و آن‌ها راحت‌تر با موضوع ارتباط برقرار کنند، اما نمی‌شود همه چیز را به همین شکل بیان کرد. به همین دلیل، تلاش کردیم در کنار پیام‌های مستقیم، در لایه‌های پنهان قصه هم مفاهیمی را مطرح کنیم تا مخاطب بزرگسال هم بتواند برداشت خودش را داشته باشد. مهم این است که این

اگر قرار است در رسانه ملی که متعلق به همه طیف‌های جامعه است، فعالیت کنیم، قطعاً باید نسل زد را در آثارمان نمایش بدهیم و خودشان، مسائل و دغدغه‌هایشان را در این آثار ببینند

■ تلویزیون برای حفظ ارتباط با نسل جدید، چقدر باید از کلیشه‌ها فاصله بگیرد و به‌روز شود؟

دغدغه من همیشه این بوده: آثاری که برای تولیدشان زحمت زیادی کشیده می‌شود، دیده شوند و اثرگذار باشند؛ چه مخاطب داشته باشند و چه نداشته باشند، امکانات همان امکانات است و هزینه‌ها نیز همان هزینه‌ها. مسئله این است که باید بدانیم رسانی برای تازه شدن داریم و این تغییر و به‌روز شدن را ابتدا باید از خودمان آغاز کنیم. اینکه بخواهیم روی کلیشه‌های مرسوم حرکت کنیم، ما را به تکرار می‌رساند؛ تکراری که در تلویزیون، روزنامه‌ها، سایت‌ها و رسانه‌های مختلف شاهد آن هستیم. باید توجه داشت در مدیوم سریال، باید قصه روایت شود بنابراین باید صبوری کرد و اجازه داد داستان شکل بگیرد. تزئیناتی هم که لایه‌ای قصه قرار می‌گیرند، باید به انسجام اثر کمک کنند، آن را جذاب و سرگرم‌کننده نگه دارند و در نهایت، تصویری از جامعه و انعکاسی از زندگی مردم باشند. نباید اثر را در یک قالب ثابت نگه داریم و انتظار داشته باشیم همان چیزی باشد که در دهه‌های گذشته ساخته می‌شد. اگر قرار است تلویزیون با نسل جدید ارتباط برقرار کند، باید خودش را با جامعه و مخاطب امروز هماهنگ و به‌روز کند.

■ در «اکسیر» شاهد چهره و نقش متفاوتی از داریوش فرضیایی هستیم؛ بازیگری که مخاطبان او را سال‌ها با نام «عمو پورنگ» می‌شناسند. چه شد که تصمیم گرفتید این تصویر متفاوت را از او ارائه دهید؟

پیش از این چنین تجربه‌ای را در سریال «بالش‌ها» داشتیم. وقتی دیدیم مخاطب آن شخصیت را پذیرفته، دیگر خیلی بابت این موضوع نگران نبودیم. ما برای «عمو پورنگ» در «محلۀ گل و بلبل» یک شناسنامه درست کردیم. گفتیم

پیام‌ها چطور در قصه بسته‌بندی و ارائه شوند. اگر قرار است حرفی را به مخاطب منتقل کنیم، باید با سلیقه و ظرافت با آن برخورد شود و در دل قصه قرار بگیرد، نه اینکه صرفاً به شکل یک پیام مستقیم و گل‌درشت ارائه شود. به نظرم خوش‌سلیقگی در این زمینه همیشه جواب می‌دهد.

■ اشاره صریح به واژه‌هایی مانند «اِکس»، «سوبر» و «اکزجره» در اکسیر تا حدی متفاوت و حتی تابوشکنانه بود. چه شد که تصمیم گرفتید از ادبیات نسل جدید در سریال استفاده کنید؟

بچه‌هایی که متولد دهه ۸۰ هستند و نسل زد را تشکیل می‌دهند، روزگاری پای برنامه‌های عمو پورنگ نشسته‌اند و آدم‌هایی نیستند که یک‌باره از یک فضای ناشناخته وارد جامعه شده باشند. این‌ها بخشی از همین جامعه‌اند و حالا شکل ارتباط و ادبیاتشان تغییر کرده است. امروز دیگر کسی نمی‌تواند منکر این موضوع شود که مثلاً کلمه «اِکس» را نشنیده است. اگر همه ما در اطرافمان یک دهه هشتادی داشته باشیم، قطعاً این کلمه به گوشمان آشناست. وقتی با دوستانش صحبت می‌کند یا مکالمه تلفنی دارد، مستقیم یا غیرمستقیم به گوش ما هم می‌خورد، دختر و پسر هم ندارد. تا چه زمانی می‌خواهیم این نسل را نادیده بگیریم؟ اگر قرار است در رسانه‌ای که رسانه ملی و متعلق به همه طیف‌های جامعه است، فعالیت کنیم، قطعاً باید این نسل را در آثار خودشان و مسائل و دغدغه‌هایشان را در آثار ببینند؛ باید احساس کنند که دیده شده‌اند و حضور دارند. اگر قرار است یک سریال با مردم ارتباط برقرار کند، باید به مردم نزدیک باشد، باید آن‌ها را بشناسد، مسائلشان را مطرح کند و بعد به سراغ راه‌حل برود. اگر مخاطب از همان ابتدا ببیند آدم‌های این سریال هیچ نسبتی با زندگی و دنیای او ندارند، پای آن برنامه نمی‌نشینند و تماشاایش نمی‌کند.

نیایش احمدی | بچه‌هایی که سال‌ها پیش پای تلویزیون می‌نشستند و با شخصیت‌هایی مثل عمو پورنگ خاطره می‌ساختند، حالا بزرگ شده‌اند و خودشان در جایگاه والدین قرار گرفته‌اند؛ در کنار آن‌ها، نوجوانان و جوانانی با زبان، دغدغه‌ها و سبک ارتباطی متفاوت حضور دارند که بسیاری از واژه‌ها و رفتارهایشان شاید برای نسل‌های قبل ناآشنا باشد، اما بخشی از واقعیت زندگی امروز را شکل می‌دهد. سریال «اکسیر» با حال و هوایی فانتزی که روزهای فرد ساعت ۲۱:۱۵ روی آنتن شبکه ۲ می‌رود، تلاش کرده قصه‌ای را روایت کند که مخاطب آن فقط کودکان نباشند و خانواده‌ها و نسل‌های مختلف بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و خودشان را در دل قصه ببینند. این سریال در کنار فضای سرگرم‌کننده، به زبان و مسائل روز نسل جدید نزدیک شده و حتی چهره‌ای متفاوت از داریوش فرضیایی را به مخاطب نشان می‌دهد.

در این باره با احمد درویشعلی پور، تهیه‌کننده و کارگردان مجموعه تلویزیونی «اکسیر» که سال‌های زیادی تجربه کار برای کودکان و خانواده‌ها را داشته است گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

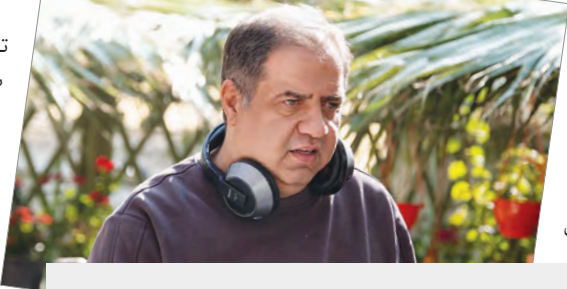
■ ایده اولیه «اکسیر» از کجا شکل گرفت و چه شد که به سمت ساخت اثری با حال و هوای فانتزی رفتید؟

ایده «اکسیر» در جریان همکاری با سیما فیلم و با هدف تولید یک مجموعه برای نوروز ۱۴۰۵ شکل گرفت. با توجه به اینکه قرار بود سریال در باکس اصلی نوروزی روی آنتن برود، تلاش کردیم مخاطب هدف را خانواده در نظر بگیریم؛ همان بچه‌هایی که روزگاری مخاطب برنامه‌های ما بودند، امروز خودشان فانتزی موضوع جدیدی در آثار ما نیست و همواره رگه‌هایی از فانتزی در قصه‌هایمان وجود داشته است و این بخش برای ما تازگی ندارد؛ تفاوت اصلی این است که این بار دایره مخاطبان هدف گسترده‌تر شده و اثر صرفاً برای کودک و نوجوان طراحی نشده است. خانواده‌ها می‌توانند به راحتی همراه فرزندانشان این سریال را تماشا کنند و با آن ارتباط بگیرند. حتی افرادی که در خانه فرزند ندارند می‌توانند با فضای سریال ارتباط برقرار کنند.

تلاش می‌کنیم تا آنجا که توان داریم، در کنار رگه‌های فانتزی که فضای کار را خوش آب و رنگ و حال‌خوب‌کن می‌کند، حرف‌های روز مردم و مسائل جامعه در سریال مطرح شود.

■ اشاره به مسائل روز جامعه از جمله قطعی برق، در اکسیر تا چه اندازه آگاهانه و با هدف بازتاب دغدغه‌های مردم انجام شده است؟

اینکه یک موضوع اجتماعی را مطرح می‌کنیم، به این معنا نیست که قصد سیاه‌نمایی داریم بلکه نمایش انعکاسی از مسائل جامعه است. وقتی انتقادی را نسبت به موضوعی به صورت عادلانه مطرح کنید، طبیعی است که شرایط هر دوره از جامعه متفاوت باشد و فضای حاکم بر جامعه هم بتواند تأثیرگذار باشد. ما سال‌هاست در رسانه کار می‌کنیم. هر چیزی، اول در فیلم‌نامه و بعد، وقتی ساخته و آماده پخش می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فیلم‌نامه از فیلترهای مختلف عبور می‌کند و هنگام پخش هم نمی‌توانید فکر کنید چیزی از دست کسی در می‌رود. اگر چنین موضوعاتی مطرح نشود، اتفاقاً عجیب است. نقدی که داریم دلسوزانه و خیرخواهانه است. اگر درباره صرفه‌جویی صحبت می‌کنیم، صرفاً نمی‌گوییم مصرف آب، برق یا به‌طور کلی حامل‌های



مادرش «مامان‌نیاز» است، پدرش «باباایاز»، هاشم را دارد، هم‌محلۀای‌های خودش را دارد و... این شخصیت، حدود هفت سال در مجموعه‌های مختلف حضور داشت. اگر «بچه‌محل» را هم در نظر بگیریم و حتی «کلبه عمو پورنگ» را، نمی‌توانیم پس از این همه مدت دوباره همان عموپورنگ را بباوریم و انتظار داشته باشیم شخصیت قبلی‌اش را تکرار کند. قصه‌های تازه، شخصیت‌های تازه هم می‌طلبد. از طرف دیگر، داریوش فرضیایی سرمایه اجتماعی بزرگی پشت سر خودش دارد؛ سرمایه‌ای که به خاطر نحوه زندگی و ارتباطش با مردم شکل گرفته است. سریال اکسیر نشان داد داریوش فرضیایی می‌تواند نقش‌های دیگری را هم ایفا کند و شخصیت‌هایی متفاوت را به تصویر بکشد؛ نقش‌هایی که برای جوان‌ها و نوجوان‌ها هم باورپذیر باشند.

در اکسیر، او یک جوان است، فرزند دارد، همسر دارد و با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که مخاطب شاید پیش از این از داریوش فرضیایی ندیده باشد. همین موضوع موجب شد بسیاری غافلگیر شوند؛ چون همیشه بحث ازدواج او در رسانه‌ها مطرح بود و حالا مخاطب با شخصیتی مواجه شده که در قالب یک همسر و پدر، زندگی خانوادگی متفاوتی را تجربه می‌کند.

■ در انتخاب بازیگران اکسیر، چه شد که در کنار چهره‌های شناخته‌شده، از بازیگران کمتر شناخته‌شده هم استفاده کردید؟

همیشه به چهره‌هایی که تازه‌تر هستند و کمتر دیده شده‌اند فرصت می‌دهم تا دیده شوند. خودم هم وقتی کار را می‌بینم، متوجه می‌شوم که چقدر در انتخاب‌هایی که صورت گرفته، درست عمل شده و نتیجه کار برایم رضایت‌بخش است. ضمن اینکه بسیاری از این عزیزان در سنین جوانی هستند و فرصت پیدا می‌کنند تا از شرایطی که برایشان فراهم شده، نهایت استفاده را ببرند.

■ کدام بخش از اکسیر از نظر کارگردانی برای شما چالش‌برانگیزتر بود؟

«اکسیر» در زمانه‌ای ساخته شد که شرایط ملتهبی در جامعه وجود داشت و کار کردن در آن شرایط، راحت نبود. اواخر سال گذشته، کار را جلو دوربین بردیم؛ زمانی که جامعه با التهاب‌هایی مواجه بود. از طرف دیگر، کل کار در زمان جنگ انجام شد. همکاران من با وجود اینکه نمی‌دانستیم این کار قرار است برای عید پخش بشود یا نشود و چه اتفاقی قرار است بیفتد، کارهای فنی را متوقف نکردند و روند تولید ادامه پیدا کرد. از این منظر، شرایط تولید و آماده‌سازی کار چالش‌برانگیز بود، اما خود گروه بسیار همدل بودند.

از نظر کارگردانی هم سکانس‌هایی داشتیم که چالش‌برانگیز بودند. به خصوص در بخش‌هایی که حضور بچه‌ها پررنگ‌تر می‌شد. با این حال، روند تولید پروژه را متوقف نکردیم. اکنون نیز در حال تولید یک فیلم سینمایی با همین گروه و بازی داریوش فرضیایی هستیم که قرار است برای جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان آماده شود.

کارت خودرو پراید مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید-روغنی به شماره پلاک ۵۵۷۲ ۷۹ ایران ۳۶ به شماره موتور ۳۳۷۱۸۲۹ و شماره شاسی S1۴۸۲۲۸۹۱۳۷۴۷۲ به نام جعفر قربانی حیدرآباد مفقود واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز کامیون کشنده ماک ۴۰۰هـ مدل ۱۳۹۴ شماره پلاک ایران ۱۶ ع ۲۴۹۹ شماره موتور ۰۰۰۰۰۳۰ شماره شاسی ۰۰۰۱۴۴ به نام رضا گارابی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز،سند و فاکتور فروش خودرو سواری- سواری سایپا تیپ SAINA S MT مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره موتور ۹۶۴/۹۶۷/۶۱۳ به شماره شاسی NAS۵۱۱۰۰N۵۷۲۶۹۳۱ به شماره پلاک ۷۹۷ ۵۴ ایران ۳۸ به مالکیت قسیمه حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

برگ سبز اتومبیل سواری سیتروئن X۲۰۰هـ مدل ۸۵ به رنگ نقره ای به شماره انتظامی ۷۴ ایران ۲۱۶ ع ۵۲ و به شماره موتور ۵۲۸۷۹۶ و شاسی S۱۵۱۲۲۸۵۱۴۰۳۵۴ متعلق به محسن رحمانی گزل آباد مفقود وفاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید به شماره موتور ۰۴۴۵۸۱۳ NAZPL۱۴۰TL۰۵۸۰۸۷۷ به شماره پلاک ۵۱۴ ی ۵۱ ایران ۷۲ به مالکیت محسن روستا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

کلیه مدارک موتورسیکلت هندبا به شماره پلاک۷۶۸-۶۹۹۲۲ و شماره موتور ۴۱۳۷۶۴۰ و شماره تنه ۸۹۵۱۲۸۷ بنام غلامحسین براقی ارزنه گی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

برگ سبز و کارت موتور سیکلت هندبا پیشتان مدل ۱۳۹۴ به شماره تنه ۱۲۵۸۹۴۰۹۵۷ به شماره موتور ۱۲۴NEG۴۲۲۵۴۹ به شماره پلاک انتظامی ۷۷۳ ۳۱۱۷۴ به مالکیت رضا رحمان پور به رنگ مشکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

برگ سبز خودرو سواری - سواری پژو تیپ ۴۰۵GLX-XUV مدل ۱۳۹۲ به رنگ نقره‌ای - متالیک به شماره موتور ۲۱۹۶۴/۱۲۴۰۰ به شماره شاسی NAAM۰۱CAYDR۵۲۹۵۸۸ به شماره پلاک ۵۶۴ ط ۱۵ ایران ۹۵ به مالکیت عبدالمجید سعیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

برگ سبز خودرو سیستم سایپا تیپ CNG تیپامل ۱۳۹۵به شماره موتور M15/82B3608 و شماره شاسی۰۵G۵۸۹۶۵۶۲NAS۸۱۳۱۰۰ به شماره پلاک۲۸-۴۴۴ ایران ۳۶به مالکیت مهدی اختری با کد ملی ۰۷۳۲۳۳۷۹۸مفقود شده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز کامیون کشنده اپنترانش D۳۱۱VEGA مدل ۱۹۷۵ شماره پلاک ایران ۳۳. ۲۵۷ ع ۳۵ شماره موتور ۱۰۵۴۴۲۴ شماره شاسی ۱۷۷۱۱ به نام قاطمه خان بابائی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری سمند سورن تیپ CNG سال ساخت ۱۴۰۱ به شماره موتور۰۶۸۷۱۶۴و شماره شاسی۰۸ACFJH۵۸NF۱۲۱۴۴۴ شماره پلاک ایران ۹۱ - ۱۶۷ ع ۳۱ به مالکیت زهرا حسن زاده جیبی لو هادی وایت ایرانه پور هادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید به شماره موتور ۰۴۴۵۹۹۰۱۲۴۰۰۴۴۵۹۹۰ به شماره شاسی۰۱CA۹EH۱۲۴۶۴۳NAAN۰۱ شماره پلاک انتظامی ۳۶-۹۸۴ ی۲۵ به مالکیت فاتح نوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

پروانه به شماره ۶۱۸۱۹ مورخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۰ مربوط به پلاک ثبتی ۷ فرعی۱۳۵۱۶/۷ از ۲۳۶ اصلی به کدنسوزاری ۱-۷-۶-۱-۷ واقع مرتضویان ۲۲ قطعه سوم چپ مفقود و فاقد اعتبار میباشد.

تبلیغات مجازی در قدس آنلاین

بنر | رپرتاژ آگهی | حمایتی

۰۵۵۱۳۷۰۸۸